

## تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور

( با تأکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه ) \*

دکتر علی کریمزاده\*\*، دکتر سید کمال‌الدین شهریارى\*\*\*، دکتر مهیار اردشیری\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

### چکیده

در بیست سال اخیر، سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر برنامه‌ریزی شهری، نیاز به بازآفرینی مناطق بی‌رونق شهری و حرکت به سمت فعالیت‌های خلاق فرهنگی در جهت پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش تبیین مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور می‌باشد. این پژوهش به روش کیفی صورت پذیرفته و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای و اسناد بوده است. که مؤلفه‌هایی چون «کاربری‌های فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی شهری»، «ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با طراحی شهری خلاقانه»، «حفاظت میراث فرهنگی» و «گردشگری فرهنگی» را به عنوان معیارهایی کلیدی معرفی نموده و در سه پروژه بازآفرینی شهری در شهر استانبول ترکیه مورد مقایسه و این نتیجه حاصل گردید که بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از صنایع خلاق فرهنگی منجر به احیاء اقتصادی مناطق مورد نظر گردیده و هم‌گرایی اقتصاد و فرهنگ تأثیرات بسزایی بر بازآفرینی بناهای تاریخی داشته است.

### واژه‌های کلیدی

بازآفرینی شهری، رویکرد فرهنگی، سیاست فرهنگی، بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور

\*این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری شهرسازی علی کریمزاده با عنوان (تدوین اصول و معیارهای بازآفرینی شهری، با محوریت گردشگری) است که به راهنمایی دکتر سید کمال‌الدین شهریارى و مشاوره دکتر مهیار اردشیری در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، انجام پذیرفته است.

\*\*دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: a.karimzadeh@srbiau.ac.ir

\*\*\*استادیار دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: shahriari@srbiau.ac.ir

\*\*\*\*استادیار، گروه شهرسازی، واحد بیضا، دانشگاه آزاد اسلامی، بیضا، ایران.

Email: ardeshiri@biau.ac.ir

## ۱-۱- مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ میلادی، بسیاری از شهرهای اروپایی، شاهد نوعی تجدید ساختار ناخواسته شدند که دلایل آن را جابه‌جایی صنایع و به تبع آن اشتغال، مهاجرت طبقه متوسط شهری به حومه‌ها، تغییر الگوی اشتغال، توسعه مراکز خرید در خارج از شهرها و افزایش مالکیت و وابستگی به خودروی شخصی دانسته‌اند (لطفی، ۱۳۹۰). بحران بخش تولیدی دهه ۱۹۷۰، متعاقب آن افت شهری و تلاش دولت‌ها برای تغییر به یک اقتصاد خدماتی از جمله عواملی بودند که در دهه ۱۹۸۰ موجب تغییر در نظریه سیاست‌مدارانی بود که برای نخستین بار فرهنگ را به‌عنوان ابزار بازآفرینی شهری و رفع مشکلات اقتصادی در نظر گرفتند، منجر شد. به واسطه نگرانی از نظام‌های تأمین مالی، امور هنری و صنایع خلاق به سرعت پدیدار شده و به‌طور مشخص به توسعه اقتصادی منجر گردید (Brown et al., 2000).

با در نظر گرفتن این واقعیت جدید بسیاری از شهرها مجبور شدند با یکدیگر در تلاش برای منحصربه‌فرد بودن در زمینه‌های فرهنگی، انسانی و کالبدی رقابت کرده تا بر مزیت‌های خود نسبت به سایر شهرها تاکید نمایند. این رقابت بین‌شهری در راستای تلاش آنها در دو زمینه جذب و استقرار صنایع با فناوری بالا، همچنین جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و تبدیل به مرکز گردشگری و فرهنگی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی انعکاس یافت. افزایش رقابت باعث گردید که بسیاری از شهرهای مذکور سیاست‌های بازآفرینی را با هدف شاخص نمودن تمایزهای فرهنگی آنها از سایر شهرها پیش برده، که در این میانه فرهنگ نقشی اساسی در سیاست‌گذاری‌های بازآفرینی شهری ایفا می‌نماید.

هدف اصلی این پژوهش تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری فرهنگ محور به منظور تبیین سیاست‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری می‌باشد. در این راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که «سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری کدامند؟»

به همین منظور به تعریف و تدقیق مفاهیم بازآفرینی شهری فرهنگ محور و بررسی سیر تحول رویکردهای فرهنگی مؤثر بر آن پرداخته شده است. سپس به بررسی رویکردها، برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی در سه دهه اخیر می‌پردازد و در پایان مؤلفه‌هایی چون «کاربری‌های فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی شهری»، «ترکیب فعالیت‌های فرهنگی باطراحی شهری خلاقانه»، «حفاظت و احیاء میراث فرهنگی» و «گردشگری فرهنگی» را به‌عنوان معیارهایی کلیدی موفقیت بازآفرینی شهری فرهنگ محور معرفی می‌نماید که در سه پروژه بازآفرینی شهری در شهر استانبول ترکیه مورد مقایسه قرار گرفته است.

## ۱-۲- روش پژوهش

در مقاله حاضر راهبرد استدلال منطقی به عنوان استراتژی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله بیشتر جنبه توصیفی داشته، در این مقاله تلاش خواهد شد تا با مروری بر مفاهیم بازآفرینی شهری، سیاست‌های فرهنگی مؤثر را معرفی، بررسی و جایگاه و عملکرد آن را در بازآفرینی شهری فرهنگ محور تدقیق نماید و در نتیجه بستری برای چگونگی ادامه راه و شناخت مسیرهای حرکت به سوی تعیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور فراهم آورد. همچنین از شیوه‌های مطالعه و مشاهده اسنادی با استناد به مطالب مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر به عنوان ابزارهای تحقیق در رابطه با نمونه پروژه‌های بازآفرینی شهری مورد مطالعه، استفاده شده است. در پایان نیز با تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در مصادیق مذکور به راهکارهایی فرهنگ محور در راستای موفقیت پروژه‌های بازآفرینی شهری دست یابد.

## ۱-۳- مبانی نظری

### بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری، رویکردی در راستای توسعه درون‌زای شهری است و درحقیقت به‌کارگیری توان بالقوه و بالفعل موجود در برنامه‌ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و در نهایت استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم است (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱).

بازآفرینی محیط‌های شهری از رکود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریب کالبد به‌وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند (Robert & Sykes, 2000). همچنین می‌توان اذعان داشت که بازآفرینی شهری به مفهوم بهبود و تقویت مناطق خاص شهری از طریق چرخه احیا مجدد اقتصادی، افزایش تعداد مسکن، بهبود کیفیت زندگی جمعیت محلی و جذب ساکنین جدید بعد از یک دوره زوال و نابودی بیان می‌گردد (Van der Borg & Russo, 2008).

### بازآفرینی شهری فرهنگ محور از دیدگاه اندیشمندان

فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده و هر شهری با فرهنگ و بارزهای فرهنگی مختص به خود، شناخته می‌شده است (لطفی، ۱۳۹۰). در بازآفرینی فرهنگی، عامل فرهنگ به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای بسیار مهم در مقیاس محلی و جهانی مطرح است (امین زاده و دادرس، ۱۳۹۱). ایوانز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، اذعان دارد که شهرها، به دنبال تولید و کاربرد

با جمع‌بندی دیدگاه‌های فوق، مزایای بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور در نمودار زیر جمع‌بندی شده است. (شکل ۱)

### سیر تحول رویکردهای فرهنگی در بازآفرینی شهری

قبل از دهه ۱۹۷۰ فرهنگ به عنوان حوزه‌های جداگانه و متضاد از فعالیت‌های اقتصادی مطرح بود (Bianchini, 1994) از این رو به عنوان ابزاری جهت وقت‌گذرانی در زمان‌های تمول اقتصادی در نظر گرفته می‌شد (Rutten, 2006). در اواسط دهه ۱۹۸۰، مسیر جدیدی به سوی بهره‌گیری از روشی جدید که سیاست‌های فرهنگی را به عنوان ابزارهایی برای توسعه اقتصادی می‌نگریست، باز شد.

در بیست سال اخیر، فرهنگ به مفهومی حاضر در سیاست‌های عمومی و توسعه‌ای بخش خلاق بدل شده است و راهبردهای فرهنگی به وسیله سازمان‌های بین‌المللی همچنین توسط کشورهای در حال توسعه به عنوان ابزاری جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی پذیرفته شده‌اند (Connor & Kong, 2009).

پس سیر تحول رویکردهای فرهنگی در بازآفرینی شهری را می‌توان طی سه مرحله مورد بررسی قرار داد (طفی، ۱۳۹۰):

الف: دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ میلادی و مفهوم "صنعت فرهنگ": امکان کسب درآمد اقتصادی از طریق اشاعه نوعی تک فرهنگی یا فرهنگ انبوه؛

ب- دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ میلادی و مفهوم صنایع فرهنگی: آمیزش تدریجی فرهنگ با توسعه پایدار اقتصادی و ورود فرهنگ به عنوان جزئی از راهبردهای برنامه‌ریزی شهری؛

ج- دهه ۱۹۸۰ تا کنون و مفهوم "صنایع خلاق": نوآوری بهترین روش استفاده از عوامل فرهنگ در بازآفرینی شهری و هم‌گرایی فرهنگ و اقتصاد؛

با اذعان به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از صنایع خلاق و فعالیت‌های فرهنگی

فرهنگ، به‌عنوان بخشی از تلاش خود در راستای حفظ آینده پایدار می‌باشند و بر نقش تأثیرگذار فرهنگ به عنوان محرکی بر بازآفرینی شهری و افزایش تنوع و تغییرات فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌نماید. همچنین بیان می‌نماید که شهر فرهنگی، فراتر از پدیده‌ای نوین در عرصه تحولات شهری بوده است و در دوره پساصنعتی با خلق مجدد فضاهای شهری به بازآفرینی شهری منجر خواهد شد و آنچه نوزایی شهری خوانده می‌شود، ارتباط مستقیمی با بهره‌گیری و احیاء خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگی و هویت محلی دارد.

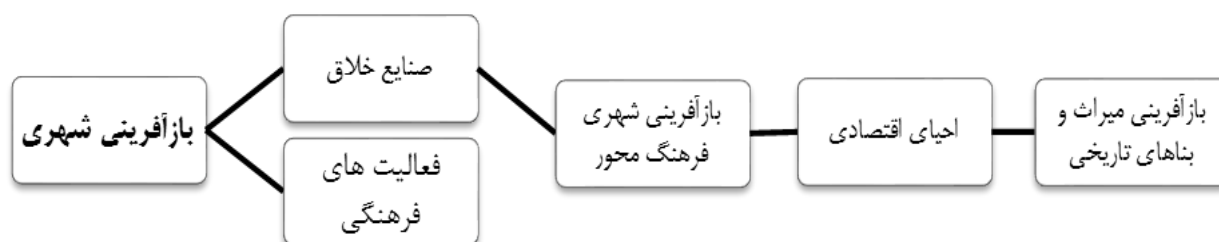
زوکین<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) استدلال می‌نماید که قوانین فرهنگ‌محور تغییر کرده و معتقد است که در حال حاضر ایده تقویت جذابیت‌های فرهنگی و افزایش فعالیت‌های مرتبط با آن در فضاهای عمومی شهری مطرح بوده که خود از نمودهای مؤثر بر تحولات شهری محسوب می‌گردد. همچنین معتقد است که در بسیاری از موارد، ارتقاء راهبردهای فرهنگی منعکس‌کننده رشد راهبردهای اقتصادی می‌باشد و به نوبه خود منافع بالقوه اقتصادی تخصیص یافته به خلق محیط‌هایی جهت بروز فعالیت‌های فرهنگی، خود عاملی در راستای بالا بردن ارزش اقتصادی و محورگردیدن مرزهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع محسوب می‌گردد.

فلوریدا<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) معتقد است، طبقه خلاق به طور فزاینده‌ای در جوامع توسعه یافته در حال رشد بوده و از آنجایی که تمایل این افراد به زندگی در شهرهای فرهنگی می‌باشد، صنایع خلاق فرهنگی نیز در حال رشد و شکوفایی می‌باشند. از این منظر، فرهنگ می‌تواند به‌طور بالقوه به‌عنوان ابزاری قدرتمند جهت جذب افراد خلاق و گردشگران فرهنگی مطرح نمود.

اسکات<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) نیز به این موضوع اشاره دارد که گروه‌ها و کاربری‌های فرهنگی اثرات عمیق و تحول‌آفرین بر احیاء شهری داشته و ارتقاء و تقویت آنها، منجر به بازآفرینی شهری در مناطق تاریخی و واجد ارزش و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی شهری خواهد شد.



شکل ۱. مزایای بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور



شکل ۲. سیر تحول رویکردهای فرهنگی در بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور

– برگزاری جشنواره‌ها و فستیوال‌های فرهنگی مرتبط با میراث فرهنگی و تاریخی در راستای تشویق گردشگری فرهنگی؛ و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای فرهنگی شهری و بهره‌گیری از طراحی خلاق در راستای احیای فرهنگ شهری (Basset, 1993)

محوریت فرهنگی یافته و به احیای اقتصادی منطقه مورد نظر منجر گردیده و هم‌گرایی اقتصاد و فرهنگ تأثیرات بسزایی بر بازآفرینی میراث و بناهای تاریخی خواهد داشت. (شکل ۲)

### تبیین سیاست‌های فرهنگی در بازآفرینی شهری

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی مجموعه‌ای از سیاست‌های جدید فرهنگی که بار دیگر بر نقش مهم فرهنگ و هنر در بازآفرینی شهری اذعان داشت ارائه گردید. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، این سیاست‌های جدید بر گسترش بنیادی مفهوم «فرهنگ» و زدودن تفاوت‌های میان هنر متعالی و هنر عامه‌پسند متمرکز بود. در این دهه، این استراتژی‌ها مبتنی بر پیچیدگی، جذب حداکثری مخاطب و پویایی بیشتر در فعالیتهای فرهنگی و هنری بود (Wynne, 1992)، ولیکن می‌توان اذعان داشت که به طور کلی این سیاست‌های فوق ترکیبی از راهکارهای ذیل می‌باشد:

### تبیین مؤلفه‌های تأثیر گذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور

می‌توان اذعان داشت که اندیشمندان نامبرده، بر نقش مؤثر نهادینه شدن رویدادها و فعالیتهای فرهنگی، در تثبیت رویکرد بازآفرینی شهری تأکید داشته و از فرهنگ به عنوان عاملی در جهت حفاظت از میراث تاریخی، ارتقاء کیفیت محیطی، بازآفرینی ساختار کالبدی یاد می‌نمایند، همچنین بهره‌گیری از کارکردهای نو و خلاق فرهنگی را بر تحولات و بازآفرینی شهری، که نهایتاً منجر به ایجاد ساختارهای جدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد، تأثیرگذار دانسته‌اند. با بررسی دیدگاه‌های ارائه شده، چارچوبی حاصل از اجزاء و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور به شرح زیر مستخرج گردید.

#### کاربری‌های فرهنگی

از استراتژی‌های سیاسی رایج در حوزه فرهنگی، تعریف کاربری‌های فرهنگی در حوزه پروژه بازآفرینی شهری است که شامل موزه‌ها، گالری‌های موقت و دائم، مراکز گردهمایی، تالارهای فرهنگی، سالن‌های تئاتر، سینماها و غیره است. لذا می‌توان اذعان داشت که فعالیت بخش‌های فرهنگی اگر در ساعات شب نیز ادامه یابد، عاملی در راستای جذب سایر کاربری‌های تجاری و در نتیجه بهبود اقتصاد محلی خواهد بود. از کاربری‌های تجاری که در مجاورت این بخش‌های فرهنگی شکل خواهند گرفت می‌توان به کتاب‌فروشی‌ها، گالری‌ها، فروشگاه‌های مرتبط با موسیقی، کارگاه‌های طراحی لباس و کارگاه‌های هنری اشاره نمود (Montgomery, 2004).

#### فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی شهری

امروزه در بسیاری از شهرهای جهان، بخش اعظم فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی و فضای باز شهری صورت می‌پذیرد.

– وابسته بودن سیاست‌های فرهنگی به بهره‌برداری از کاربری‌های فرهنگی مانند موزه‌ها و سالن‌های تئاتر به صورت گسترده‌تر توسط عموم مردم، با افزایش دسترسی و تشویق مشارکت بیشتر در جوامع محلی؛

– طراحی برنامه‌ای گسترده در راستای حمایت از هنر در جامعه، ترویج فرهنگ اقلیت‌های قومی و اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف شهری؛

– تمرکز مضاعف بر ارائه و تعبیه زیرساخت‌های لازم در جهت افزایش محصولات صنایع فرهنگی خلاق، با تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های فرهنگی و پشتیبانی از سازمان‌های برنامه‌ریز در مناطق فرهنگی؛

– ارتقاء سیاست‌های فرهنگی سنتی با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در راستای تقویت زمینه‌های فرهنگی عموم جامعه؛

– به رسمیت شناختن نقش هنر و فرهنگ در بازآفرینی شهری، شامل بهره‌برداری از پروژه‌های توسعه شهری با تأکید بر کاربری‌های فرهنگی مانند راه‌اندازی سالن‌های تئاتر، کنسرت، موزه‌ها و نمایشگاه‌ها

یکی از ویژگی های پروژه های بازآفرینی شهری، ترویج و ساخت پروژه های بزرگ و فاخر با طرح های شهری خلاقانه است که می تواند به شاخص موفقیت پروژه بدل شوند. با بررسی های صورت پذیرفته این نتیجه حاصل گشته که در اکثر پروژه های فوق ساختمان های جدید دارای کاربری های فرهنگی بوده و در راستای برگزاری رویدادهای فرهنگی مورد بهره برداری قرار می گیرند از جمله این مراکز می توان به سالن های برگزاری همایش، مؤسسات آموزش عالی، مراکز فرهنگی، موزه ها اشاره نمود که به عنوان بخشی از سیاست های جذب سرمایه و جمعیت محسوب می گردند (Hubbard, 1995).

ایجاد تصویری جذاب و خوشایندتر از شهر به عنوان معیاری اقتصادی با جذب بیشتر سرمایه، ساکنین جدید و گردشگران رابطه مستقیم داشته، به گونه ای که در این میان حضور گردشگران فرهنگی جهت شرکت در گردهمایی ها یا کنفرانس ها، فستیوال و جشنواره های فرهنگی تأثیرگذار است و درآمد اقتصادی را برای شهر و شهروندان نوید می دهد (Bradley et al., 2002).

#### حفاظت و احیاء میراث فرهنگی

هدف از حفاظت ساختمان ها و مناطق مهم تاریخی، معماری و فرهنگی، ایجاد یک محیط شهری غنی تر می باشد که گذشته را با حال پیوند می دهد. حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی نقش مهمی را در فرایندهای بازآفرینی شهری فرهنگ محور ایفا می کند. ترکیب به هم پیوسته و نمادین از مؤلفه کالبدی میراث، بناهای یادمانی و متن فرهنگی شهر و عملکردها و تعاملات اجتماعی و فرهنگی همراه با زندگی روزمره شهری توسط مجموعه ای از نشانه ها و نمادهای کالبدی و غیر کالبدی بر درک ارزش های فرهنگ شهری در عرصه عمومی مؤثر است (حیب و حسینی نیا، ۱۳۹۲).

حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی، عامل آفرینش محیطی منحصربه فرد و مکانی با تجلی کالبدی توأم با هویت محلی محسوب می شود. ساختمان های تاریخی منحصربه فرد، به عنوان ابزاری در راستای ایجاد حس غرور و هویت سازی ساکنین شهر شناخته می شوند و از جنبه اقتصادی نیز، به عنوان ابزاری جهت جذب ساکنین جدید عمل می کند.

#### گردشگری فرهنگی

از آنجایی که شهرهای بزرگ به عنوان مقاصد گردشگری مطرح می باشند، صنعت گردشگری نقش مهمی در اقتصاد این جوامع ایفا کرده و در نتیجه تغییرات چشمگیری در توسعه شهرها خواهد داشت و این به معنی جذب تعداد زیادی گردشگر است که سبب افزایش درآمد و ایجاد مشاغل در شهرهای مقصد گردشگران می شود (Law, 1993). در سال ۱۹۸۵ سه گزارش مختلف در انگلستان منتشر شد که از ایده

در دهه های اخیر، بهره گیری روزافزون از این گونه فعالیت ها در فضای عمومی شهری به افزایش علاقمندی عموم منجر گردیده و بر بازآفرینی شهری تأثیرگذار می باشد. رویدادهای اجتماعی فرهنگی و هنری در برگیرنده طیف گسترده ای از رویدادها شامل؛ جشنواره های هنری نظیر هنرهای نمایشی، جشنواره های موسیقی خیابانی، جشنواره های نقاشی و همچنین جشنواره های چند منظوره، جشن های بزرگداشت اعیاد و مناسبت های خاص ملی و مذهبی است (چشمه قصابانی و کریمی، ۱۳۹۰) که عاملی در جهت جذب بازدیدکنندگان فرهنگی بوده و کیفیت محیطی مناطق را بهبود بخشیده و آنها را به مراکزی سرزنده و پر جنب و جوش تبدیل نمایند. در ادامه به نظر می رسد که فعالیت های فرهنگی نقش روشنی در فعالیت های خلاقانه مرتبط با پیشرفت های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی و در یک کلام بر جنبه های مختلف بازآفرینی شهری تأثیر می گذارد. این تأثیرگذاری را از ۳ جنبه می توان مورد بررسی قرار داد:

اول این که، برگزاری فعالیت های فرهنگی به عنوان ابزاری در راستای ایجاد حس اجتماعی در میان شهروندان محسوب شده و به افزایش حس غرور و مباحث کمک می نماید.

دوم اینکه، مؤلفه های فرهنگی را می توان جهت افزایش ارتباط میان مردم و مکان مورد استفاده قرار داد که در نتیجه به حفاظت بهتر فضاهای عمومی و تاریخی منجر می گردد. بهره گیری از این مؤلفه ها می تواند به تنوع رخدادهای مرتبط با فرهنگ منجر گردیده و عاملی در راستای ترکیب و یکپارچگی گروه های کوچک جهت مشارکت در پروژه های فرهنگی شود.

سوم اینکه، نهادینه کردن رخدادهای فرهنگی در فضای عمومی مستلزم آموزش شهروندان است (ATCM, 2006).

به طور کلی به نظر می رسد فعالیت های فرهنگی در فضاهای عمومی شهری نقش مهمی در فرآیندهای بازآفرینی ایفا می نماید از منظرهای مختلف که می توانند تأثیرگذار باشند (Hall & Robertson, 2001).

#### ترکیب فعالیت های فرهنگی با طراحی شهری خلاقانه

تلاش برای تغییر تصاویر شهرها و از نو خلق کردن تصویر شهری در ذهن شهروندان و گردشگران به استراتژی های طراحی شهری خلاق بستگی داشته و از آن به عنوان ابزاری برای تغییر تصاویر گذشته یاد می شود. می توان ادعا داشت که در دهه های گذشته ساخت و سازهای شهری، نتیجه توسعه اقتصادی در جامعه بوده، در حالی که امروزه ماهیت طراحی شهری و ساخت و ساز به ابزاری جهت توسعه و پیشرفت فرهنگی اقتصادی بدل گشته و در راستای آن مدیران شهری به برنامه های بازآفرینی شهری روی آوردند (Gospodini, 2002).

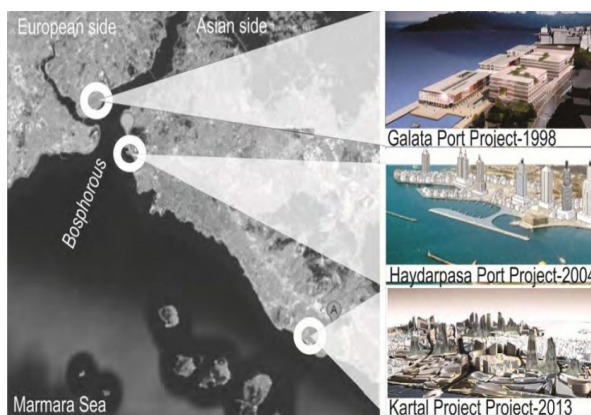
### پروژه‌های بازآفرینی شهری در شهر استانبول

از پروژه‌های بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور در شهر استانبول ترکیه می‌توان به سه پروژه زیر اشاره نمود. ( شکل ۳)

- پروژه بازآفرینی شهری بندر گالاتا؛

- پروژه بازآفرینی شهری بندر حیدر پاشا؛

- پروژه بازآفرینی شهری کارتال (Erbas, 2007).



شکل ۳. پروژه‌های بازآفرینی شهری در شهر استانبول (Source: Erbas, 2007)

### پروژه بازآفرینی شهری بندر گالاتا

منطقه گالاتا از موقعیت مهمی در منطقه تاریخی شهر استانبول برخوردار بوده و به‌عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی شهر و فعالیت‌های بازرگانی و بندرگاهی شناخته می‌شود. سکونت‌گروه‌های نژادی، مذهبی و فرهنگی مختلف در منطقه گالاتا نیز حائز اهمیت می‌باشد (Erbas, 2007).

در اواسط قرن بیستم این بندر یکی از بنادر فعال در استانبول بوده، لیکن واقع شدن آن در مرکز شهر در سال ۱۹۸۰ و نامناسب شدن بخش بندرگاه به دلیل افزایش ترافیک کشتی و وسایل باربری چهره‌ای نامناسب به این بندر بخشیده بود که در سال ۱۹۸۶ این بندر بر روی ورود و عبور و مرور وسایل باربری و حمل و نقل دریایی بسته شد و به مکانی برای حمل و نقل مسافران بدل گردید.

منطقه پروژه زمینی در حدود ۱۰۰۰۰۰ مترمربع با هدف ساخت یک بندر کروز، هتل پنج ستاره، مراکز خرید، رستوران‌ها، کافی‌نت‌ها، مکان تفریحی مانند کافه‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، پارک‌خودرو می‌باشد (شکل ۴). ولیکن نکته حائز اهمیت این است که تمرکز اصلی پروژه، یافتن و برجسته ساختن آثار تاریخی متعلق به این منطقه تاریخی در راستای بازآفرینی فرهنگی، اقتصادی به صورت توأماً بوده است (Sijakovic, 2010).

گردشگری به عنوان کاتالیزوری در بازآفرینی فرهنگی حمایت می‌کرد (Shaw & Williams, 1994). این گزارش بر سه عنصر کلیدی ایجاد شغل با هزینه پایین، به‌کارگیری نیروی انسانی زیاد در بخش فرهنگی، توان بالقوه تأثیرات فزاینده محلی در گردشگری تأکید می‌کردند. در نتیجه توسعه تسهیلات فرهنگی به احیاء کالبدی مناطق شهری و ورود گردشگران و بازدیدکنندگان کمک نموده و عاملی در راستای ارتقاء وجهه شهر در دنیای خارج می‌باشد (Law, 1993).

به‌طور کلی می‌توان اذعان داشت که حفاظت از ساختمان‌های میراثی که در بالا ذکر گردید، ابزاری مهم جهت تقویت ماهیت منحصربه‌فرد شهرها و مراکز شهری و افزایش جذابیت‌های گردشگری فرهنگی محسوب می‌شود. در بسیاری از موارد، پروژه‌های بزرگ بازآفرینی شهری در اثر بخشی فعالیت‌های گردشگری فرهنگی و ایجاد تجارت‌های مرتبط با فرهنگ، موفق عمل کرده‌اند. اشاعه گردشگری فرهنگی به عنوان ابزاری کارآمد در امر حفاظت از میراث و توسعه در بافت تاریخی می‌تواند به عنوان راه‌حلی برای بازآفرینی فرهنگی محسوب شود (امین زاده و دادرس، ۱۳۹۱).

### بررسی مصادیق استانبول

با بررسی شهر استانبول می‌توان اذعان داشت که باتوجه به سابقه فرهنگی برجسته این شهر، بازآفرینی شهری براساس برخی از استراتژی‌های مشترک فرهنگی از جمله احیاء محله‌های فرهنگی، بازسازی سایت‌های میراثی، موزه‌ها، برگزاری رویدادهای بین‌المللی، صنایع فرهنگی و اجرای پروژه‌های خلاق صورت پذیرفته است. بازآفرینی شهری در شهر استانبول به‌عنوان یک ابزار در جهت توسعه فرهنگی پذیرفته شده است، که در این طبقه‌بندی پروژه‌های شهری بازآفرینی به عنوان راهکاری در راستای جلوگیری از پراکندگی مراکز شهری، جلوگیری از زوال فرهنگی، تاریخی، منابع طبیعی و انسان‌ساخت، ممانعت از ایجاد نابرابری‌های اجتماعی پذیرفته شده است (Ercan, 2011).

در نتیجه، بازآفرینی شهری به عنوان یک فرایند برنامه‌ریزی بسیار پیشرفته و جایگزین فرایند قدیمی سیستم برنامه‌ریزی شهری استانبول مطرح است و نقش نظارتی دولت در به‌کارگیری سیاست‌های بازآفرینی شهری و تدوین قوانین ویژه مناطق جدید جهت نظارت‌های زیست‌محیطی بسیار حائز اهمیت است و اکثریت این برنامه‌ریزی‌های شهری و مداخلات در بافت، در مقیاسی فراتر از مقیاس محلی مطرح می‌باشند (Geambazu, 2014).

## سیاست های بازآفرینی فرهنگ محور در پروژه بندر گالاتا

سیاست های بازآفرینی فرهنگ محور در پروژه بندر گالاتا به شرح زیر می باشد:

- استفاده از ترکیب کاربری ها و ایجاد محیط توسعه شهری با حاکمیت کاربری های فرهنگی به گونه ای که کاربری های جدید سبب تهدید و به خطر افتادن ارزش های فرهنگی میراث تاریخی نگردد.
- استقرار بخش های مرتبط با تولید محصولات فرهنگی و صنایع دستی محلی در بافت تاریخی که بر نقش موثر مردم، صاحبان، مدیران و متولیان در باز زنده سازی صنایع فرهنگی تأکید دارد.
- محافظت از مکان های تاریخی به عنوان نمادهای فرهنگی و تاریخی کشور که عاملی در جهت اصالت و هویت بخشی ارزش ها و میراث تاریخی و محلی و بومی محسوب می گردد.
- حمایت از معماری خلاقانه و مفهومی که به نقش مهم آن در افزایش کیفیت تصویرذهنی شهروندان در بافت تاریخی اذعان شده است.

- ایجاد کاربری های فرهنگی مانند سالن های سینما و تئاتر و کنسرت، کتابخانه، نمایشگاه های دائم و موقت جهت برگزاری مراسم و جشن های محلی در راستای ارتقای سطح فرهنگی شهروندان و جذب گردشگران فرهنگی که راهکاری در جهت تبادلات فرهنگی محسوب می گردد (Erbas, 2007).

- هم گرایی کاربری های فرهنگی و اقتصادی و تأکید بر گردشگری فرهنگی که ضامن منافع اقتصادی منطقه می باشد (Goksin & Muderrisoglu, 2005).

### پروژه بازآفرینی شهری بندر حیدرپاشا

بندر حیدرپاشا در سمت آسیایی شهر استانبول و در ورودی تنگه بسفر که منطقه ای صنعتی است، واقع می باشد (شکل ۵) از آنجا که این

بندر دارای موقعیتی استراتژیک بوده و به عنوان محل تقاطع راه های دریایی، بزرگراه ها و مسیر راه آهن شناخته می شود، اهمیت آن افزایش می یابد (Erbas, 2007).

علل انتخاب بندر حیدرپاشا به عنوان منطقه ای جهت اجرای پروژه بازآفرینی شهری را می توان به شرح زیر بیان نمود:

- دارا بودن توان ارتباطات و حمل و نقل قوی در بخش آسیایی شهر استانبول و وجود پایانه قطار حیدرپاشا که بخشی از میراث تاریخی و نقش مهمی در حمل و نقل بین قاره ای و حمل و نقل مسافر دارد.
- واقع شدن بندر در نقطه ای استراتژیک در تنگه بسفر، که موفقیت اقتصادی پروژه را تضمین می نماید.

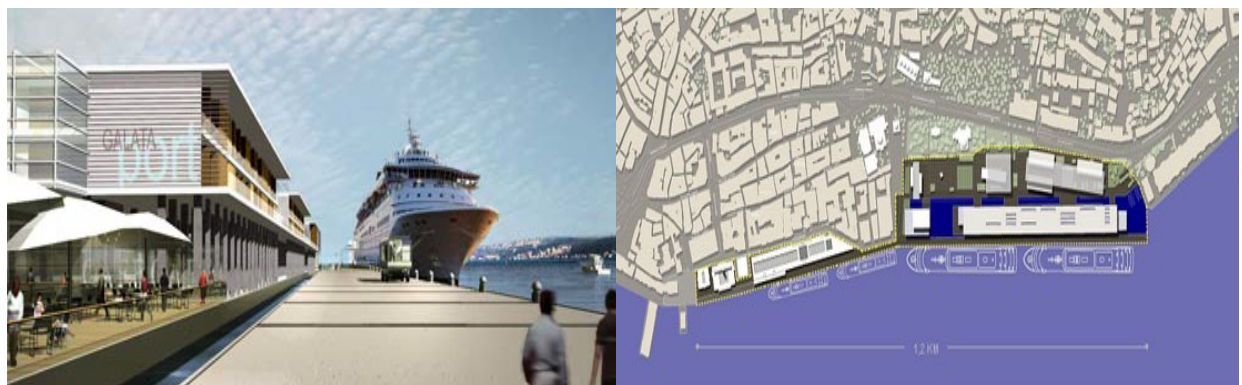
- وجود میراث تاریخی در منطقه مانند: مرکز نظامی سلیمیه، دبیرستان حیدرپاشا، دانشگاه مرمره، برج دختر، اسکودار و قاضیکوی بازار (Sijakovic, 2010).

### سیاست های بازآفرینی فرهنگ محور در پروژه بندر حیدرپاشا

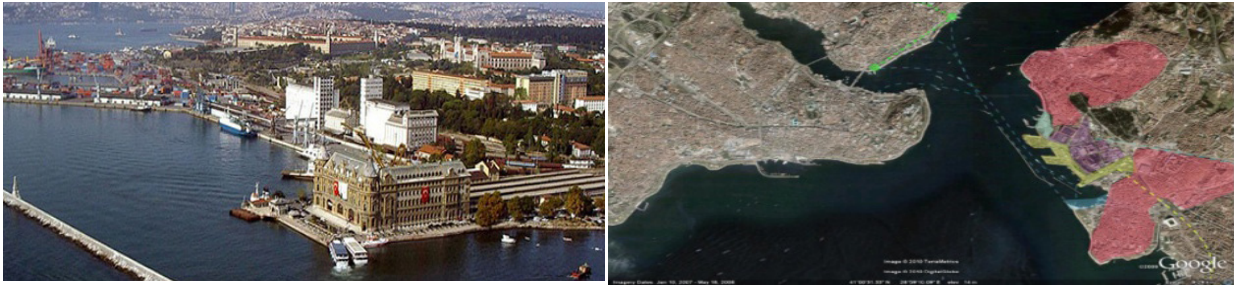
- ارائه طرح آسمان خراش های هفتگانه که از هفت تپه استانبول الهام گرفته شد و منبعث از زمینه های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی منطقه می باشد.

- ارائه طرح هتل پنج ستاره، مراکز همایش، مناطق تجاری، مراکز خرید، اداری و مسکونی که در تمامی موارد ذکر شده معیار اصالت فرهنگی به عنوان یکی از با اهمیت ترین معیارها جهت سنجش سیر فرهنگی پروژه فوق مورد توجه قرار گرفته و بهره گیری از مصالح بومی، سبک های معماری بومی و سنت های بومی در پروژه تأکید شده است (شکل ۶) (Ozkan & Frison, 2008).

- تأکید بر جاذبه های میراث فرهنگی منطقه از طریق طراحی فضاهایی جهت گردهمایی، برگزاری مراسم و جشن های مرتبط با فرهنگ و برگزاری نمایشگاه های فصلی و سالیانه جهت جذب گردشگران فرهنگی در این اماکن تاریخی با هدف زنده نگاه داشتن آنها که خود



شکل ۴. پروژه بازآفرینی شهری بندر گالاتا (Source: Erbas, 2007)



شکل ۵. محدوده پروژه بازآفرینی شهری بندر حیدرپاشا (Source: Sijakovic, 2010)

علل انتخاب منطقه کارتال به عنوان منطقه‌ای جهت اجرای پروژه بازآفرینی شهری را می‌توان به شرح زیر بیان نمود: (Jones, 2004)

- منطقه کارتال به عنوان منطقه‌ای صنعتی متروک با مالکیت خصوصی که طول عمر اقتصادی آن به اتمام رسیده، شناخته می‌شد.
- تصمیم به تغییر شکل ساختار مسکونی موجود در منطقه به این علت - فضای کافی جهت توسعه و بازسازی آن بخش موجود بود.
- توان کافی مبنی بر توانایی تبدیل این منطقه به مرکز ثانویه بخش آسیایی شهر استانبول مشاهده می‌شد.
- منطقه کارتال دارای قابلیت از لحاظ ارتباط مستمر با مراکز حمل و نقل هوایی و ریلی در راستای ورود مسافران و گردشگران می‌باشد.

#### سیاست‌های بازآفرینی فرهنگ محور در پروژه کارتال

- ایجاد مرکزی با جاذبه‌های فراوان در سمت آسیایی استانبول با بهره‌گیری از سیستم شبکه‌ای نرم<sup>۵</sup> که فاقد حق مالکیت بوده و با استراتژی‌های کاربردی و خط آسمان متنوع طراحی شده است.
- طراحی مرکزی بین‌المللی که منعکس‌کننده هویت مدرن استانبول باشد، به گونه‌ای که با توجه و احترام به ویژگی‌های فرهنگی و سنتی و بدون مخدوش نمودن چشم اندازهای طبیعی و فرهنگی منطقه صورت پذیرد.
- ساختار واحدهای مسکونی در ترکیب با کاربری‌های قابل انعطاف و فضای باز شهری تعریف شده است.

حاصل نگرش هماهنگ به حفاظت و بازآفرینی شهری در محیط‌های تاریخی و مدیریت محیط‌های واجد ارزش فرهنگی می‌باشد.

- حفاظت از تنوع عناصر فرهنگی و یافته‌های باستان‌شناسی و ایجاد موزه فرهنگ در این منطقه که در جهت آگاهی و افزایش سطح دانش جامعه نسبت به ارزش‌های فرهنگی موجود صورت پذیرفته است.
- بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در فضای باز شهری که به منظور حفاظت و احیاء رویدادهای فرهنگی و جلوگیری از جابجایی و عدم جایگزینی ساکنان بافت تاریخی صورت پذیرفته است (Erbas, 2007).

#### پروژه بازآفرینی شهری منطقه کارتال

منطقه کارتال در شهر استانبول به عنوان یکی از مناطق بازآفرینی شهری جهت اجرای پروژه‌های کلان مقیاس انتخاب شده است و این مرکز شهری مکانی در راستای جذب سرمایه در سطح بین‌المللی و ملی در نظر گرفته شد. براساس این ایده طرح پروژه بازآفرینی منطقه کارتال به مسابقه بین‌المللی گذاشته شد و شرکت معماری مشهور زها حدید جایزه اول این رقابت را از آن خود نمود (شکل ۷)

(Erbas & Tansel, 2011)

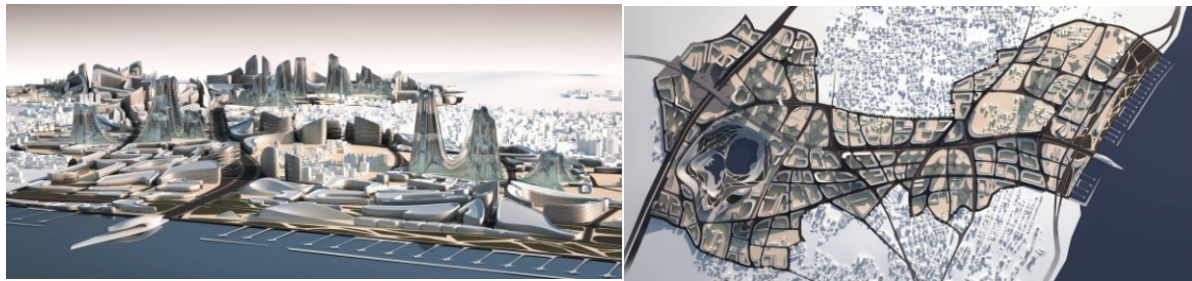
فرایند تغییرات شهری در این منطقه بر دو محور اصلی استوار است:

- جابجایی و غیرتمرکز نمودن مناطق صنعتی موجود در منطقه و به کارگیری و بهره‌برداری از صنایع خلاق جایگزین؛
- گسترش و تمرکز بر کاربری‌های فرهنگی، اجتماعی و خدماتی.



شکل ۶. پروژه بازآفرینی شهری بندر حیدرپاشا (Source: Emlakjet, 2012)





شکل ۷. پروژه بازآفرینی شهری منطقه کارتال که توسط شرکت معماری زاها حدید طراحی گردیده است (Source: Hadid, 2015)

جدول ۱. بررسی تطبیقی مصادیق از نظر مؤلفه‌های تاثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور

مصادیق	بندر گالاتا- ۱۹۹۸	بندر حیدر پاشا- ۲۰۰۳	منطقه کارتال- ۲۰۱۳
			
	(Bianet, 2015)	(Sondakikahaberleri, 2015)	(Hadid, 2015)
<b>کاربردهای فرهنگی</b>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• استفاده از ترکیب کاربری‌ها و ایجاد محیط توسعه شهری با حاکمیت کاربری‌های فرهنگی</li> <li>• استقرار بخش‌های مرتبط با تولید محصولات فرهنگی و صنایع دستی محلی</li> <li>• کاربری‌های فرهنگی مانند سالن‌های سینما، تئاتر و کنسرت و کتابخانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طراحی فضاهای گردهمایی، برگزاری مراسم و جشن‌های مرتبط با فرهنگ و برگزاری نمایشگاه‌های فصلی</li> <li>• ایجاد موزه فرهنگ</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طراحی کاربری‌ها و فضاهای فرهنگی در مجاورت بخش مسکونی، تجاری، اداری در راستای ایجاد پیوند بین جاذبه‌های فرهنگی و منافع اقتصادی</li> </ul>
<b>فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی شهری</b>		<ul style="list-style-type: none"> <li>• بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در فضای باز شهری به منظور حفاظت و احیای رویدادهای فرهنگی و جلوگیری از جابجایی و عدم جایگزینی ساکنان جدید در بافت تاریخی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بهره‌گیری از فضاهای باز عمومی با امکان برگزاری جشنواره‌ها، مراسم فرهنگی و اجتماعی نمادین</li> </ul>
<b>ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با طراحی شهری خلاقانه</b>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت از معماری خلاقانه و مفهومی در راستای افزایش کیفیت تصویر ذهنی شهروندان در بافت تاریخی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طراحی فضاهای فرهنگی جهت برگزاری فعالیت‌های مرتبط با بهره‌گیری از مصالح بومی، سبک‌های معماری بومی و سنت‌های بومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بهره‌گیری از فضاهای باز عمومی و طراحی پارک سلامت و محیط زندگی، فضای سبز در مناطق تفریحی و بخش ساحلی و دریاچه در جهت افزایش جذابیت کالبدی فضاهای پیرامون</li> </ul>
<b>حفاظت و احیای میراث فرهنگی</b>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• محافظت از مکان‌های تاریخی به عنوان نمادهای فرهنگی و تاریخی کشور عاملی در جهت اصالت و هویت بخشی ارزش‌ها و میراث تاریخی و محلی و بومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تأکید بر جاذبه‌های میراث فرهنگی</li> <li>• حفاظت از جاذبه‌های تاریخی با هدف زنده نگاه داشتن آنها حاصل نگرش هماهنگ به حفاظت و بازآفرینی شهری در محیط‌های تاریخی</li> <li>• مدیریت محیط‌های واجد ارزش فرهنگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حفاظت از زوال مناطق تاریخی و بالابردن سطح فرهنگ عمومی</li> </ul>
<b>گردشگری فرهنگی</b>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نمایشگاه‌های دائم و موقت جهت برگزاری مراسم و جشن‌های محلی در راستای ارتقاء سطح فرهنگی شهروندان و جذب گردشگران فرهنگی در جهت تبادلات فرهنگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برگزاری مراسم و جشن‌های مرتبط با فرهنگ و برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و سالیانه جهت جذب گردشگران فرهنگی در اماکن تاریخی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارتقاء سطح گردشگری فرهنگی</li> <li>• طراحی آب‌نما به عنوان منطقه‌ای جاذب، پر جنب و جوش و زیبا با ایده گسترش فرآیندهای فرهنگی گردشگری</li> </ul>

- طراحی کاربری‌ها و فضاهای فرهنگی در مجاورت بخش مسکونی، تجاری، اداری که در راستای ایجاد پیوند بین جاذبه‌های فرهنگی و منافع اقتصادی و در نتیجه افزایش سرزندگی اقتصادی، در بازآفرینی منطقه صورت پذیرفته است.

- بهره‌گیری از فضاهای باز عمومی و طراحی پارک سلامت و محیط زندگی فضای سبز در مناطق تفریحی و بخش ساحلی و دریاچه در جهت افزایش جذابیت کالبدی فضاهای پیرامون و امکان برگزاری جشنواره‌ها، مراسم فرهنگی و اجتماعی نمادین که بیانگر دیدگاه‌های حفظ محیط طبیعی در مجاورت محیط‌های تاریخی می‌باشد.

- طراحی آب‌نما به عنوان منطقه‌ای جاذب، پر جنب و جوش و زیبا با ایده گسترش فرایندهای فرهنگی گردشگری که به‌عنوان زیر ساخت‌های تکمیلی پروژه مذکور از آن یاد می‌شود.

- تأکید بر حفظ پایداری اجتماعی در پروژه، که اهم اهداف آن عبارت از: حفاظت از زوال مناطق تاریخی، بالا بردن سطح فرهنگ عمومی، ارتقاء سطح گردشگری و مناطق تفریحی، حضور در فضاهای باز شهری انعطاف‌پذیر می‌باشد (Ozkan & Frison, 2008).

### ۱ یافته‌های پژوهش

مقایسه سه پروژه بازآفرینی شهری در شهر استانبول ترکیه حاکی از آن است که سیاست‌های فرهنگی، واجد مؤلفه‌هایی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری می‌باشد که در این راستا فعالیت‌های فرهنگی و صنایع فرهنگی خلاق، نیروی محرکه برای بازآفرینی شهری محسوب شده و می‌توان ادعان داشت که این صنایع به عاملی در راستای توسعه شهری و منطقه‌ای بدل گردیده است (جدول ۱).

به بیان دیگر بررسی، مقایسه و تجمیع مصادیق، حاکی از آن است که بازآفرینی شهری فرهنگ محور تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی از جمله کاربری‌های فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی در فضای عمومی شهری، ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با طراحی شهری خلاقانه، حفاظت میراث فرهنگی و گردشگری فرهنگی بوده که با توجه به دوره زمانی اجرای این پروژه‌ها نکات زیر منتج خواهد گردید:

- پروژه‌های توسعه شهری فرهنگ‌محور فرصت بهره‌برداری از مکان‌های صنعتی پیشین و متروکه را در بافت شهری فراهم آورده و جایگاهی جدید و اختصاصی به مکان‌های میراثی، فرهنگی و تاریخی بخشیده که این نکته در هر سه پروژه به‌وضوح به چشم می‌خورد.

- از اهداف راهبردهای بازآفرینی فرهنگی در پروژه‌های مذکور، ترغیب توسعه گردشگری بوده و که در نتیجه آن چرخه‌های سودمند ارتقاء تصویر ذهنی، هویت‌بخشی و سرمایه‌گذاری در بافت فعال گردیده‌است.

- تنوع عملکردها و کاربری‌های فرهنگی تفریحی در گذر زمان افزایش یافته و ارتباط و تعاملات اجتماعی فرهنگی کاربران و گردشگران نیز ارتقاء یافته است.

- فعالیت‌های فرهنگی و طراحی معمارانه خلاق حاصل از اهمیت دادن به سیاست‌های فرهنگی، در گذر زمان تفاوت یافته و به‌سمت ابراز در فضاهای عمومی شهری سوق داده شده است.

- ارتقاء فعالیت‌های فرهنگی با «پویایی و جهت‌یابی به سوی آینده» پیوند دارند که در تغییر سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری مؤثر بوده و در پروژه بازآفرینی منطقه کارتال به وضوح به چشم می‌خورد.

- انعطاف‌پذیری کاربری‌های فرهنگی و بستر شکل‌گیری آنها از موارد شاخص پروژه‌های فوق می‌باشد که در پروژه بازآفرینی منطقه کارتال از قدرت بیشتری به‌رمند و از سایر پروژه‌ها شاخص‌تر بوده است.

### ۲ نتیجه گیری

با توجه به مطالعات فوق می‌توان ادعان داشت که بازآفرینی شهری فرایندی آهسته بوده و سیاست‌هایی که صرفاً مبتنی بر توسعه کالبدی می‌باشند با تأخیر به یک راهبرد جهت موفقیت آن به‌ویژه در بافت‌های شهری دچار رکود صنعتی، بدل می‌گردد. بهره‌گیری از سیاست‌های فرهنگی، قابلیت تبدیل شهر یا منطقه شهری را با ارتقاء جذابیت مکان، افزایش قابل توجه شرکت‌های فرهنگی و خلاق افزایش خواهد داد. همان‌طور که در مطالعات مورد بررسی قرار گرفت، در مصادیق فوق تلاش بر این بوده تا در برنامه‌های بازآفرینی شهری از نیروی محرکه فرهنگ بدون در نظر گرفتن مشخصات مکانی بهره‌برده شود. در ادامه سیاست و راهبردهای فرهنگی که معیارهایی کلیدی موفقیت بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور محسوب می‌شوند، ارائه گردیده است:

- صنایع فرهنگی و خلاق، نیروی محرکه جهت بازآفرینی شهری محسوب شده و می‌توان ادعان داشت که این صنایع به عاملی در راستای توسعه شهری و منطقه‌ای بدل گردیده است.

- صنایع فرهنگی و صنایع خلاق عاملی در جهت توسعه اقتصاد محلی و اشتغال‌زایی محسوب می‌گردد.

- توجه به فرهنگ، هنر و میراث ابزارهایی در راستای ایجاد و تقویت هویت بومی محسوب می‌گردد.

- بازآفرینی فرهنگ‌محور و به تبع آن اجرای پروژه‌های فرهنگی باعث افزایش احساس تعلق شهروندان می‌شود.

- فرهنگ و صنایع خلاق فرهنگی در بازآفرینی شهری بعد عملکردی این مراکز را تقویت نموده و حضور گردشگران فرهنگی را پررنگ‌تر می‌نماید.

9. Bianet (2015), Retrieved May, 2015, from <http://bianet.org/english/environment/159157-council-of-state-suspends-galataport-project>

10. Bradley, A., Hall, T., & Harrison, M. (2002). *Promoting New Images for Meeting Tourism. Cities*, 19(1), 61-70.

11. Brown, A., O'Connor, J., & Cohen, S. (2000). *Local music policies within a global music industry: cultural quarters in Manchester and Sheffield*. Geoforum, 31, 437-451.

12. Connor, J., & Kong, L. (2009). *Creative economies, creative cities, Asian European perspectives*. London: Springer.

13. Emlakjet (2012) Retrieved September, from [http://images4.emlakjet.com/emlak-haber/2012/09/14/foto\\_galeri/haydarpasa-port-projesi-1347633225.jpg](http://images4.emlakjet.com/emlak-haber/2012/09/14/foto_galeri/haydarpasa-port-projesi-1347633225.jpg) Congress, (September 19-23), Antwerp, Belgium.

14. Erbas, E. (2007). Port Regeneration and Sustainable Urban Development, The Case of Galata Port and Haydarpasa Port Projects in Istanbul After 2000. *ISOCARP*. Proceedings of the 43rd ISoCaRP

15. Erbas, E., & Tansel, E. (2011). Rethinking the Urban Transformation Projects Again: the Distribution of Public Burden and Benefits, the Case of Kartal District, Istanbul. *REAL CORP 2011. Proceedings of the Real Corp Change for Stability: Lifecycles of Cities and Regions*, May 18-20, (pp.843- 852), Essen, Germany.

16. Ercan, M. A. (2011). Challenges and conflicts in achieving sustainable communities in historic neighborhoods of Istanbul. *Habitat International*, 35(2), 295-306.

17. Evans, G. (2001). *Cultural Planning: An Urban Renaissance?*. London: Routledge.

18. Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. London: Basic Books.

- پروژه‌های شاخص بازآفرینی فرهنگ محور عاملی در راستای بهبود کیفیت زندگی شهری محسوب شده و منافع اجتماعی و اقتصادی شهروندان را نیز در نظر دارد.

- فضاهای باز و سازگار و محیط‌های فعال و فرهنگی غنی باعث جذب گردشگران فرهنگی و افزایش و استقبال از حضور آنان در محیط‌ها می شود.

## پی نوشت‌ها

1. Graeme Evans
2. Sharon Zukin
3. Richard Florida
4. Allen J Scott
5. Soft Grid

## فهرست مراجع

۱. امین زاده، بهناز؛ دادرس، راحله. (۱۳۹۱). بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری. *دوفصلنامه معماری ایرانی*، ۲، ۹۹-۱۰۸.
۲. چشمه قصابانی، مریم؛ و کریمی، نوشین. (۱۳۹۰). رویکردی تحلیلی به تأثیر رویدادهای فرهنگی در کیفیت منظر موقت شهری. *هویت شهر*، ۵ (۹)، ۳۶-۲۷.
۳. حبیب، فرح؛ و حسینی نیا، مهدیه. (۱۳۹۲). تحلیلی بر مفهوم فرهنگ شهری و تأثیر آن در جذب گردشگر فرهنگی، (بررسی چند مصداق جهانی). *هویت شهر*، ۷ (۱۴)، ۱۶-۵.
۴. لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مینا: تأملی بر بنمایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۴۵، ۶۰-۴۷.
۵. نوریان، فرشاد؛ و آریانا، اندیشه. (۱۳۹۱). تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در باز آفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان. *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهر سازی*، ۱۷ (۲)، ۲۷-۱۵.
6. ATCM. (2006). *Adding Value and a Competitive Edge: The Case for Using Arts and Culture in Town Centers. A Report Commissioned by the Association of Town Center management (ATCM)*. London: Author.
7. Basset, K. (1993). Urban cultural strategies and urban regeneration: a case study and critique. *Environment and Planning A*, 25, 1773-1788.
8. Bianchini, F. (1994). Night Cultures, night economies. *Journal of town and country planning*, 63, 308-310.

19. Geambazu, S. (2014). *Dimensions of urban waterfront regeneration: Case study of Halic/ The Golden Horn*. Unpublished master's thesis, Technische University Berlin, Berlin.
20. Goksin, A., & Muderrisoglu, S. (2005). *Urban Regeneration: A Comprehensive Strategy for Creating Spaces for Innovative Economies*. ISoCaRP. Proceedings of the 41st ISoCaRP Congress, October 17-20, Bilbao, Spain.
21. Gospodini, A. (2002). European Cities in Competition and New 'Use' of Urban Design. *Urban Design*, 7( 1), 59-73.
22. Hadid (2015), Retrieved May, 2015, from <http://zaha-hadid.com/masterplans/kartal-pendik-masterplan>
23. Hall, T., & Robertson, I. (2001). *Public Art and Urban Regeneration*. *Landscape Research*, 26(1), 5-26.
24. Hubbard, P. (1995). *Urban Design and Local Economic Development: A Case Study of Birmingham*. *Cities*, 12( 1), 5-26.
25. Jones, C., & Orr, A. (2004). *Spatial Economic Change and Long-Term Urban Office Rental Trends*. *Regional Studies*, 38(3), 281-292.
26. Law, C. M. (1993). *Urban Tourism: Attracting Visitors to Large Cities*. London: Mansell Publishing.
27. Montgomery, J. (2004). Cultural Quarters as Mechanisms for Urban Regeneration Part 2. *Planning Practice & Research*, 19(1), 3-31.
28. Ozkan, E., & Frison, O. (2008). The Recent Regeneration Process of Istanbul: A Critical Perspective for the Metropolitan Plan 2023, European Regional Science Association. *Proceedings of the 48th Congress of the European Regional Science Association, Culture, Cohesion and Competitiveness – Regional Perspectives*. August 27- 31, Liverpool, UK.
29. Roberts, P. Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. London: Sage.
30. Rutten, P. (2006). *Culture & Urban Registration. Cultural Activities and Creative Industries A Driving Force for Urban Regeneration*. Lille: URBACT.
31. Scott, A. (2000). *The Cultural Economy of Cities*. London: Sage.
32. Shaw, G. Williams, A. M. (1994). *Critical issues in tourism: a geographical perspective*. Oxford: Basil Blackwell.
33. Sijakovic, M. (2010). *Between the city and sea: urban waterfront regeneration*. Unpublished master's thesis, Universitat politecnica de catalunya.
34. Sondakikahaberleri, (2015), Retrieved May, 2015, from <http://www.sondakikahaberleri.info>  
tr/images/haberresim/44662-haydarpasa-port-buyuksehir-den-onay-aldi.jpg
35. Van der Borg, J. Russo, A. P. (2008). *Area Regeneration and Tourism Development: Evidence from Three European Cities*. *Social Science Research Network*, 21, 1-25.
36. Wynne, D. (1992). *The Culture Industry: The Arts in Urban Regeneration*. Alder shot: Avebury.
37. Zukin, S. (1995). *The Culture of Cities*. Oxford: Blackwell.

documents based on the contents of the books, articles and documents as tools for research in relation to urban regeneration projects in the study sample were used. Finally, examples of effective components of the solutions culture-based to successfully achieve urban regeneration projects.

**Keywords:** Urbanrenewal, Cultural approach, Culture-Based Urban Regeneration.

# An Explanation of Effective Cultural Policies on Culture Based Urban Regeneration

## (with Emphasis on the Experiences of Urban Renewal, Istanbul, Turkey)

*Ali Karimzadeh*, Ph.D., Department of Urban Development, Faculty of Art & Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Seyed Kamal Aldin Shahriari\**, Ph.D., Assistant Professor, Department of Urban Development, Faculty of Art & Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Mahyar Ardeshiri*, Ph.D., Assistant Professor, Department of Urban Development, Beyza Branch, Islamic Azad University, Beyza, Iran.

### Abstract

The institutionalization of cultural events play an important role in stabilizing approach to urban regeneration and improving environmental quality as a factor for heritage protection, restoration and rehabilitation of physical structures, new design and new functions in line with the previous and the arrival of new structures. The cultural regeneration of a culture as a development strategy is very important in the local and global scale.

Since the 1970s, many European cities, some sort of restructuring was unexpected that the reasons may be handling industry and consequently employment, migration, urban middle class to the suburbs, changing patterns of employment, the development of shopping centers outside the cities and increasing dependence on private car ownership. In the 70's decade, the manufacturing sector, followed by urban decline and governments attempt to shift to a service economy, including the factors that cause changes in the theory of politicians in the 80's decade, which for the first time, culture as a tool of urban regeneration and economic problems were caused. Due to concerns of the finance, the arts and creative industries in particular emerged quickly led to economic development.

Taking into account this new reality, many cities were forced together in the quest for uniqueness of the cultural, human and physical advantage over their competition to emphasize to other cities. This competition between cities in an effort to attract and deploy them in the field of hi-tech industries, as well as private sector investment and become a central part in national and international tourism and culture reflected. Increased competition led many in the policy with the aim of recreating the index of cultural distinctions from other cities, driven, in which the cultures plays a key role in urban regeneration policies.

The main objective of this research is to develop a conceptual framework in order to explain the policies, culture-based urban regeneration and cultural factors affecting urban regeneration. In this regard, this study seeks to answer the question, "What are the cultural policies affecting urban regeneration?"

Then, the approaches and cultural policies, and at the end of the components such as the "cultural uses", "urban cultural activities in the public space", "combines urban design creative cultural activities", "protection of cultural heritage" and "cultural tourism" as key measures of culture-based urban regeneration, urban regeneration project has introduced a three comparative tests were in Istanbul, Turkey.

In this paper, the strategy of logical reasoning is used as a research strategy. This article is largely descriptive, sowe will attempt to review the concepts of urban renewal, cultural policy effectively introduced and the role and function in culture-based urban regeneration scrutiny and thus the basis for the continuation and identify pathways towards cultural policy affecting culture-based urban regeneration are provided. The skill of reading and studding

---

\* Corresponding Author: Email: shahriari@srbiau.ac.ir